



کارکرد «لو شرطیه» در فضا سازی‌های قرآنی بر اساس نظریه آمیختگی مفهومی

مرتضی قائمی^{*۱}

پروین یوسفی^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

تصویرسازی مفاهیم ذهنی، ملموس و محسوس ساختن مفاهیم انتزاعی، در قالب پدیده‌های عینی، در جای جای قرآن کریم به چشم می‌خورد. اغلب این تصویرسازی‌ها از طریق فضا سازی ذهنی بوده و خداوند تبارک و تعالی کلیدی‌ترین مفاهیم قرآنی را که نقش به‌سزایی در معرفی جهان‌بینی اسلامی و فهم آموزه‌های دینی دارد، از طریق این فضا سازها ترسیم نموده است. یکی از ابزارهای مهمی که برای این فضا سازی‌ها به خدمت گرفته شده، حرف «لو» است. حرف لو دارای معانی و کاربردهای گوناگونی است که برای ارائه معنایی خاص دو یا چند فضا را با هم گرد آورده و در نهایت تصویر و فضایی تازه خلق نموده است. از این‌رو نگارندگان در پژوهش حاضر با روشی توصیفی تحلیلی به بررسی این دسته از آیات بر اساس الگوی چهار فضایی ذهنی فوکونیه و ترنر پرداخته‌اند و چگونگی تلفیق مفهومی آیات مورد بحث را بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خدای تبارک و تعالی در این آیات با خلق فضاهای گوناگون و آمیختن آن‌ها با یکدیگر معانی و مفاهیم نوظهوری را مبتنی بر تجربه ادراکی مخاطب فرا روی او نهاده و از این طریق، مفاهیم گوناگون مورد اراده خود را برای مخاطب قابل فهم ساخته است و ذهن او را به تأمل در آن‌ها فرا خوانده تا از این رهگذر به تدریج به جهان‌بینی قرآنی و آموزه‌های اخلاقی، احکام و اعتقادات دست بیابد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، فضاهای ذهنی، آمیختگی مفهومی، حرف لو.

✉ Morteza@gmail.com

۱- استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه بوعلی سینا*

✉ Parvin.u94@gmail.com

۲- دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا

۱- مقدمه

زبان‌شناسی شناختی رویکردی در مطالعهٔ زبان است که به بررسی رابطهٔ میان زبان انسان، ذهن او و تجارب اجتماعی و فیزیکی او می‌پردازد. به عبارت دیگر، در زبان‌شناسی شناختی تلاش می‌شود به «مطالعهٔ زبان به واسطهٔ تجربیات ما از جهان، نحوهٔ درک و شیوهٔ مفهوم‌سازی ما بپردازد؛ بنابراین، مطالعهٔ زبان از این نگاه، مطالعهٔ الگوهای مفهوم‌سازی است. با مطالعهٔ زبان، می‌توان به ماهیت و ساختار افکار و آراء ذهن انسان پی برد» (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۷). یکی از دستاوردهای زبان‌شناسی شناختی استعارهٔ مفهومی است که به فهمیدن یک ایده یا یک حوزهٔ مفهومی (مقصد) بر اساس ایده یا حوزهٔ مفهومی دیگر (مبدأ) می‌پردازد. به گفتهٔ لیکاف نظام مفهومی ما ریشه در تجربه‌های ما در جهان هستی دارد و مفهوم تا حدودی به واسطهٔ ویژگی‌های تعاملی مرتبط با ادراک، حرکت، کنش، هدف، عملکرد و ... تعریف می‌شود. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) با توجه به ویژگی‌های حوزهٔ مبدأ، استعارهٔ شناختی را به انواعی از جمله ساختاری، هستی‌شناختی و جهتی تقسیم کرده‌اند سپس لیکاف و ترنر بحث دیگری به نام طرح‌واره‌های تصویری مطرح کردند و بعدها فوکونیه و ترنر (۱۹۸۵) در راستای تکمیل استعارهٔ مفهومی و فضاهای ذهنی به این نتیجه رسیدند که استعارهٔ مفهومی نمی‌تواند به‌طور کامل ساختارهای زبانی پیچیده و فرایندهای ادراکی را توضیح دهد پس با آمیختن آن با فضاهای ذهنی نظریهٔ آمیختگی مفهومی و الگوی چهار فضایی را پدید آوردند. این اصطلاح با این‌که از دیرباز در میان علوم مختلف وجود داشت اما امروزه به‌عنوان نظریه‌ای مستقل در علم معناشناسی کاربرد دارد. شبکهٔ آمیختگی از چهار فضا به نام فضای عام، درونداد ۱، درونداد ۲ و فضای آمیخته تشکیل می‌شود که میان هر کدام از آن‌ها می‌توان نگاشت‌هایی را به‌وجود آورد. فضای عام مفاهیم کلی را در بر می‌گیرد که در دو فضای ذهنی مفروض، مشترک است. هر کدام از دروندادها از مجموعهٔ به هم مرتبطی از عناصر ساخته شده‌اند که طی سه فرایند ترکیب، تکمیل و بسط با یکدیگر در آمیخته و معنای نوظهوری را پدید می‌آورند که این معنای بدیع در هیچ‌کدام از ورودی یافت نمی‌شود و در فضای چهارم یعنی فضای آمیخته قرار می‌گیرد. آمیختگی مفهومی در قرآن کریم از آن جهت که از سویی کتابی آسمانی و سخن خداوند تبارک و تعالی و دارای معانی و مفاهیم عمیق بوده و درک آن‌ها برای مخاطب سخت می‌باشد و از سویی دیگر هدف آن هدایتگری و ایجاد تحول در اندیشهٔ بشر می‌باشد بسامد بالایی دارد. خدای متعال به مقتضای حال بشر و به مقتضای نحوهٔ نگرش او به عالم، با نظمی خاص، معانی ژرف و فراذهنی را با به‌وجود آوردن فضاهای استعاری مناسب به مخاطب نمایانده و با مفهوم‌سازی و در آمیختن فضاهای ناآشنا و انتزاعی با فضاهای محسوس و ملموس، مفاهیمی نو و جدید را به‌وجود آورده است که تأثیر به‌سزایی در فهم جهان‌بینی اسلامی و آموزه‌های دینی برای مخاطب داشته است. بنابراین متون دینی و از جمله قرآن کریم که به‌عنوان یک متن مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و می‌توان با ابزارها و روش‌های رایج در زبان‌شناسی این متن را بررسی و تحلیل کرد، به‌ویژه این‌که خود قرآن کریم نیز به تأمل و تفکر در آیات الهی دعوت نموده است. یکی از ابزارهای نحوی که در قرآن کریم برای خلق فضاهای متعدد و متنوع به کار گرفته شده حرف شرط «لو» است. این حرف با توجه به موقعیت و ظرفیتی که در جمله دارد، ابزار بسیار مناسبی برای مفهوم‌سازی، خلق

فضاها و آمیختن چند فضا برای خلق فضای تازه است. از این‌رو نگارندگان در مقاله حاضر در صددند، چگونگی کاربرد حرف «لو» در فضاسازی و تولید مفهوم را در هفت مورد از آیاتی که حرف لو شرطیه در آن‌ها به کار رفته است، مورد واکاوی قرار داده، با شیوه‌ای توصیفی تحلیلی فضاها را مرتبط به آن را بررسی کنند و مفاهیم بدیع و نوظهور را که این حرف با آمیختگی مفهومی پدید آورده، تحلیل نمایند و به دو سؤال زیر پاسخ دهند:

- ۱- کاربست الگوهای فضای ذهنی در مفهوم حرف «لو» چگونه به خلق مفهوم نوظهور در فضای آمیخته منتهی شده است؟
- ۲- آمیختگی مفهومی به وسیله «لو شرطیه» در آیات مطالعه شده، بیشتر برای مفهوم سازی در چه حوزه‌ای به کار رفته است؟

۱-۱- پیشینه و اهمیت پژوهش

پژوهش‌های زیادی در مورد مفاهیم، ساختار و سبک قرآن انجام شده است، اما تاکنون پژوهش مستقلی که به بررسی نقش آمیختگی مفهومی به عنوان ابزاری شناختی در مفهوم سازی با حرف «لو» بپردازد، نگاشته نشده و موضوع در نوع خود بدیع و تازه می‌باشد و از آن جهت که حرف لو با مفاهیم متعدد خود، فضاها را مختلف و بعضاً متضادی را با هم در می‌آمیزد و مفاهیم جدیدی به دست می‌دهد، درخور توجه و پژوهش می‌باشد.

برخی از مهم‌ترین آثاری که در مورد آمیختگی مفهومی در متون دینی و حرف لو نگاشته شده‌اند عبارتند از: قائمی نیا (۱۳۹۰) در کتاب «معنائشناسی شناختی قرآن» فصلی را به فضاها و ذهنی در قرآن و نقش تلفیقی مفهومی در معنائشناسی قرآن اختصاص داده و به‌طور اختصار و کلی نظریه آمیختگی مفهومی فوکونیه و ترنر را در برخی از آیات قرآن کریم اجرا نموده است. قائمی و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله «بازکاوی سوره بقره بر اساس نظریه آمیختگی مفهومی» معنی حقیقی و مفهومی برخی از آیات سوره بقره را با استفاده از نظریه آمیختگی مفهومی تحلیل کرده و مسائل انتزاعی و ابعاد پنهان احکام قرآنی را تشریح نموده‌اند. سلیمی (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل شناختی استعاره در نهج البلاغه بر پایه نظریه فوکونیه و ترنر» کارکرد فضای تخیلی نظریه آمیختگی مفهومی را در زایش معانی نوین نهج البلاغه تبیین نموده است. اورکی و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی زبان شناختی ساختار معنایی نمونه‌هایی از آیات قرآن بر پایه نظریه آمیختگی مفهومی» ساختار مفهومی زبان قرآن را در آیات تبیین نموده و به این نتیجه رسیده‌اند که خداوند حکیم با بهره‌گیری از زبان عربی و محدودیت‌های خاص آن، معارف بیکران وحی را در قالب مفهوم سازی متناسب و هماهنگ با اندیشه بشری، در قرآن بیان کرده است.

۲- نظریه آمیختگی مفهومی

آمیختگی مفهومی یکی از نظریه‌های مطرح در معناشناسی شناختی است که اولین بار توسط فوکونیه و تر نر معرفی شد. این نظریه با مدلی چهار فضایی به دنبال تبیین ساختارهای نوظهور است که نظریه استعاره مفهومی در تبیین آن‌ها ناکارآمد است. در این نظریه «امکان نگاشت نه فقط از حوزه مبدأ به حوزه مقصد، بلکه نگاشت از دو یا چند فضای ورودی به فضای آمیخته و حتی از فضای آمیخته به فضاهای ورودی را فراهم می‌سازد» (کوچش، ۱۳۹۶: ۱۱۰). چهار فضایی که ساختار نظریه را نشان می‌دهد، بدین صورت است: **فضای کلی** که ساختار کلی و انتزاعی ورودی‌ها و به عبارتی وجوه اشتراک دو ورودی را در خود جای می‌دهد. این فضا «تشخیص عنصرهایی از ورودی‌ها را که نظیر هستند، ساده می‌سازد و بالاخره عنصرهایی نظیر در تلفیق انعکاس می‌یابند» (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۹۳)، **دو فضای ورودی** که مفاهیم انتزاعی و ملموس فضاهای ساخته شده در ذهن را در بر می‌گیرد و ما با کمک فضای ملموس، فضای انتزاعی را درک می‌کنیم بی‌تردید این دو ورودی باید با فضای کلی ارتباط یابند «اگر ورودی‌ها با فضای کلی ارتباط نیابند، نمی‌توانیم عنصرهایی نظیر آن‌ها را کشف کنیم» (همان: ۴۹۰).

فضای آمیخته این فضا که شامل مفاهیم و ساختار بدیع و نوظهور است، با تلفیق دو ورودی در مراحل ترکیب و تکمیل آن‌ها به وجود می‌آید و در عین حال مفاهیمی را در بر می‌گیرد که در هیچ کدام از ورودی‌ها وجود ندارد. آمیختگی فضاها «موجب پیدایش فرافکنی‌گزینشی می‌شود. به عبارت دیگر، همه ساختار ورودی‌ها در تلفیق انعکاس نمی‌یابند، بلکه تنها اطلاعات سازگار و متناسب از دو فضا که برای فهم مقطعی مورد نیازند، در آن انعکاس می‌یابند و بسیاری از اطلاعات ورودی‌ها ارتباطی با فضای تلفیق ندارند یا حتی با آن ناسازگارند. بنابراین در تلفیق باید اطلاعات مرتبط با معنای نوظهور را در فضاهای ورودی از اطلاعات نامرتب جدا ساخت، اطلاعات نامرتب دیگر در فضای تلفیق انعکاس نمی‌یابند. این فرایند فرافکنی‌گزینشی نام دارد» (همان: ۴۹۲). فرایند آمیختگی مفهومی جهت رسیدن به فضای آمیخته و تولید فضایی نوظهور ناگزیر از سه مرحله باید گذر کند: نخستین مرحله؛ تلفیق عناصر دو درونداد با یکدیگر است تا شرایط لازم برای شروع آمیزه مفهومی فراهم گردد. مرحله دوم؛ مرحله‌ای است که در آن تلفیق مفهومی بر پایه طرحواره‌های ذهنی یا فضاهای ذهنی به تکمیل می‌رسد. مرحله سوم نیز که آخرین مرحله فرایند آمیختگی است؛ مرحله توضیح است که با در نظر داشتن ویژگی‌های مشترک دو درونداد ساختار معنایی نوظهور فضای آمیزه را شرح می‌دهد. فضای آمیخته با این که حاصل تلفیق ورودی‌هاست؛ اما مفاهیمی که پدید می‌آورند در ورودی‌ها موجود نمی‌باشد. بنابراین ورودی‌های یکسان می‌توانند تلفیق‌های متفاوت به وجود بیاورند. نویسنده یک اثر براساس مفاهیم مورد نظر خود و اقتضای حال مخاطب دو فضا را با هم آمیخته و معانی جدیدی را به دست آورده و مفهوم مورد نظر را برای مخاطب قابل فهم می‌سازد.

در نظریه آمیختگی مفهومی بر اساس ارتباط مفهومی دو درونداد، سه نوع شبکه مفهومی قابل تعریف است: اگر در شبکه یک درونداد با محور ارزش‌ها و درونداد دیگری از نقش‌ها در برابر یکدیگر قرار گیرند و فضای آمیخته ترکیبی از ارزش‌ها و نقش‌ها باشد **شبکه مفهومی ساده** و اگر دروندادها با قالبی یکسان و

مشابه در مقابل همدیگر ظاهر شوند و آمیزه مفهومی به دست آمده، شبکه تلفیق مفهومی را بیافریند، شبکه *آینه‌ای* و اگر درونداها با قالبی متفاوت و مستقل از هم در مقابل یکدیگر قرار بگیرند و در فضای آمیخته تنها یکی از درونداها حضور داشته باشد، شبکه *تک حوزه‌ای* و اگر درونداها در قالب و فضای کاملاً مجزا و مستقل از یکدیگر قرار داشته باشند، به طوری که میان آن‌ها نقطه اشتراکی وجود نداشته باشد؛ اما در فضای آمیخته شده، ویژگی‌هایی از هر دو حضور داشته باشد، شبکه *مفهومی دو حوزه‌ای* نامیده می‌شوند (ترنر، ۲۰۰۸: ۳).

یکی از کارکردهای مهم آمیختگی مفهومی «فراهم آوردن نگاهی کلی و فراگیر است به عبارتی دیگر آمیختگی نوعی کار تخیلی است که به ما کمک می‌کند تا یک اندیشه را به شیوه جدیدی بفهمیم به نظر فوکونیه و ترنر تلفیق مفهومی این کار را از راه کاهش دادن امور پیچیده به مقیاس بشری انجام می‌دهد (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۹۳). اهداف فرعی دیگری برای تلفیق مفهومی وجود دارد از جمله: «فشرده سازی امور پراکنده، تقویت روابط حیاتی، طرح یک داستان یا یک ماجرا و حرکت از کثرت به وحدت» (همان: ۴۹۴).

۳- لو و انواع آن

حرف «لو» انواع مختلف و کاربردهای متنوعی دارد. حرف «لو» گاهی حرف شرط غیرجزم است که بر سر فعل شرط و جواب شرط وارد می‌شود. «جواب لو اگر ماضی مثبت باشد، اقتران آن با لام واجب است و اگر منفی به لام باشد، اقتران آن جایز می‌باشد و اگر منفی به حرفی غیر ما باشد، با هیچ چیزی اقتران نمی‌یابد و نیز می‌تواند تنها بر سر فعل شرط بیاید و از جواب بی‌نیاز گردد» (الشرتونی، ۱۳۸۵: ۳۷۴). حرف لو گاه غیرشرط بوده و برای عرض، تمنی، تقلیل و مصدر به کار می‌رود.

لو اگر همراه «ما» یا «لا» (لوما، لولا) بیاید دلالت دارد بر: «۱- بر امتناع حصول جواب به جهت نسبت خبر به مبتدا، که این صورت مختص جملات اسمیه است؛ ۲- بر تخصیض یا طلب چیزی با اصرار و تحریض، در این صورت نیز مختص جملات فعلیه بوده و ممکن است بر سر اسمی بیاید که فعلی در تقدیر دارد» (دقر، ۱۳۸۱: ۴۱۲).

۴- آمیختگی مفهومی در قرآن با استفاده از «لو شرطیه»

قرآن کریم برای بیان جهان‌بینی مورد نظر خود، میان فضاهای گوناگون، ارتباط معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی برقرار کرده و میان موجودات عالم، ساحت‌های مختلف عالم، مراتب موجودات و ... شباهت‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی را مورد توجه قرار می‌دهد و ذهن مخاطب خود را به تأمل در آن‌ها فرا می‌خواند تا از این رهگذر به جهان‌بینی قرآنی دست بیاید (داوری اردکانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۷). نظام استعاری در قرآن صرفاً ناشی از نگاهت‌ها و تناظرهای ساده میان مبدأ و مقصد نیست؛ بلکه فراتر از آن با آمیختگی مفهومی و کارکردهای گوناگون آن به خلق فضاهای ذهنی متفاوت و گاه متناقض و آمیختن آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد تا سرانجام مفاهیم نو و بدیع را از آن‌ها استخراج کند و به این شیوه جدید امور ناآشنا و

مجهول را برای انسان آشکار و معلوم سازد. «شبهات‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی که قرآن میان فضاهای ورودی خاص مورد تأکید قرار می‌دهد در فهم آیات تأثیر می‌گذراند و به‌طور کلی فضایی استعاری برای فهم قرآن به‌وجود می‌آورد برای تحلیل شناختی پاره‌ای از مفاهیم وجود این شبهات‌ها موجب می‌گردد که قرآن فضایی متشکل از عناصر به هم پیوسته از لحاظ معرفتی و هستی‌شناختی باشد» (همان: ۴۷). در زیر به برخی از آمیختگی‌های مفهومی در قرآن پرداخته شده که خداوند متعال به‌وسیله آن‌ها علم، یگانگی، عدل، صبر، لطف، تقدیر، حکمت و اراده خود را به مخاطب نشان داده است و جهت حاضر ساختن فضای واقعی در ذهن مخاطب، با شیوه لو آن را با فضای معکوس در هم آمیخته است. مفاهیمی را که خداوند با شیوه آمیختگی مفهومی با رویکرد لو تبیین ساخته است عبارتند از:

۴-۱- فضا سازی با حرف لو در تبیین "شمول علم الهی"

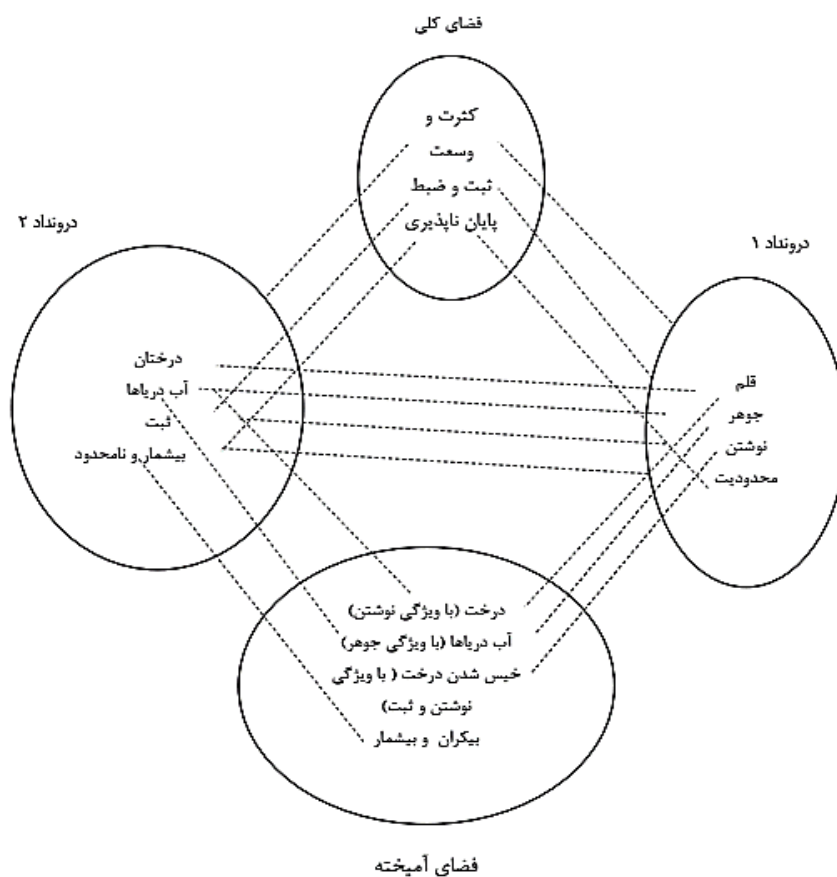
علم یکی از اوصاف ثبوتی و ذاتی خداست؛ یعنی خدا بر همه امور جهان و نسبت به هر چیزی آگاه است. بعد از مسأله توحید یکی از مهم‌ترین اوصاف پروردگار مسأله علم و دانایی اوست که مشتقات آن به کرات در قرآن آمده است و خداوند با فضا سازی آن در مفاهیم محسوس و عینی پایان‌ناپذیری و نامتناهی بودن آن را به مخاطب نشان داده است:

﴿وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٍ وَالْبَحْرِ يَمْدُهُ مِنَ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (لقمان/۲۷). «اگر هر درختی که در پهنه زمین است قلم باشد، و هرچه دریا هست مرکب گردد و هفت دریای دیگر (دریاهای بسیار) به‌مدد آید و بر آن افزوده شود، آن‌گاه با آن قلم‌ها و مرکب‌ها آفریده‌های خداوند نگارش یابد، دریاهای تمام می‌شود و نگارش آفریده‌های خدا به پایان نمی‌رسد، به راستی او عزیز است و چیزی بر او غالب نمی‌آید و حکیم است و تدبیر امور هستی را به هیچ کس و انمی گذارد» (ترجمه صفوی).

در آیه مبارکه فوق شاهد آمیختگی دو فضا هستیم که خدای سبحان با مناسب‌ترین مفهوم‌سازی‌ها یعنی با ملموس و محسوس ساختن امور معنوی، فهم آن را برای مخاطب آسان ساخته است. خداوند ادراک بشر را محدود به امور تجربی و در ارتباط با زمان و مکان خلق کرده است، لذا کلام و پیام خود را نیز در قالب مکانی و در حد عقل بشر قرار داده و از این میان غالباً طبیعت را که مکان پرورش و تکامل انسان بوده، به‌عنوان ظرف مناسبی برای فهماندن سخن خود به مخاطب برگزیده است. فضای کلی آیه فوق کثرت، وسعت، ثبوت و شمارش و پایان‌ناپذیری است که ساختار کلی درونداها را نشان می‌دهد؛ درونداد اول شامل قلم و جوهر و ثبوت و ضبط کلمات خدا را در بر می‌گیرد و مقصود از آن‌ها «علم خدا، وعده‌های او، معجزات و وحی» می‌باشد که نظام‌هایی مفهومی بوده و مبتنی بر تجربه ادراکی نیستند و فهم آن‌ها در گرو متناظر ساختن‌شان بر فضای ذهنی دیگری است که در درونداد دوم جلوه‌گر شده است و آن حوزه درختان، دریاهای و بیکرانی است. البته در تفاسیر «کلمات خدا» را مختلف تفسیر کرده‌اند؛ «بعضی گفتند مراد از کلمات علم الهی است؛ بعضی گفتند قدرت او است؛ بعضی گفتند بواطن قرآن است و امثال این‌ها لکن آنچه به نظر

می‌رسد «و لم یسبقنی احد» این که کلمات رب افعال الهی ست از خلق و رزق و امانه و احیاء و تفضلات و نعم و کرم و احسان چه افعال تکوینی و چه تشریحیه از ارسال رسل و انزال کتب و جعل احکام و فرائض و محرمان ترسیم» (طیب اصفهانی، ۱۳۸۷ش: ۳۶۶۰).

این فضای عینی، کثرت، پایان‌ناپذیری و بی‌وقفه بودن را در ذهن مخاطب متبادر ساخته است. سپس با نمودار شدن این فضاها در ذهن مخاطب و تلفیق آن‌ها با یکدیگر آمیزه‌ای نو پدیدار گشته است که در هیچ یک از ورودی‌ها وجود ندارد. این آمیزه نو درخت (با ویژگی نوشتن)، آب دریاها (با ویژگی جوهر)، خیس شدن درخت (با ویژگی نوشتن و ثبت) و بیکران و لایتناهی بودن علم، وعده‌ها، وحی و معجزات خداوند و احاطه او به تمام علوم ظاهری و باطنی می‌باشد و به تبع آن مخاطب را از ساده‌انگاری و محدود بینی نفی کرده است. هدف این آمیختگی مفهومی در دو فضا را می‌توان فراهم ساختن نگاهی کلی و فراگیر دانست تا به‌واسطه‌ی آن مخاطب محدوده مورد نظر را درک کند.



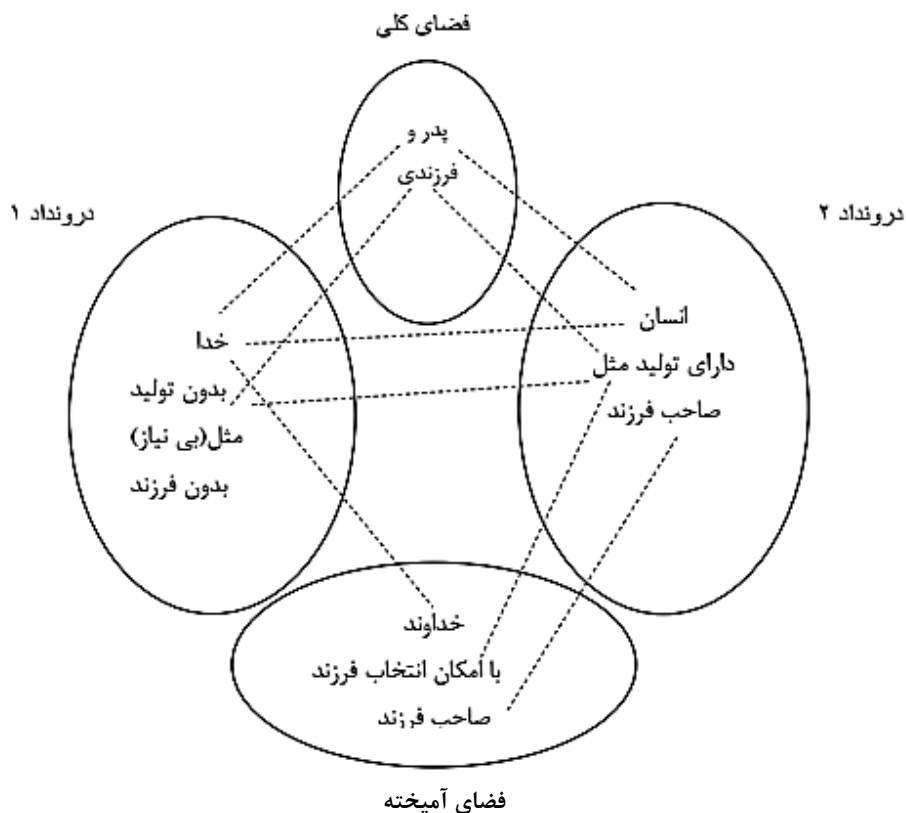
شکل ۱: شمول علم الهی

۴-۲- فضا سازی با حرف لو در تبیین «وحدانیت و یگانگی خدا»

توحید از مهم‌ترین اصول ادیان الهی است که به معنای یگانه دانستن و یکتا شمردن حق تعالی است که در نقطه مقابل، شرک به خدا قرار دارد که قرآن کریم از آن به‌عنوان ظلم عظیم و گناه نابخشودنی تعبیر کرده است. دلایل عقلی متعددی دال بر توحید و یگانگی خداوند و ابطال عقیده مشرکان اقامه شده است؛ مانند: برهان وحدت، برهان نظم، (هماهنگی عالم)؛ برهان وحدت انبیا و ... این براهین در قرآن کریم گاه با خلق فضاهای ذهنی متقابل و خلق معانی بدیع از این فضاها به اثبات رسیده است تا مخاطب از طریق این مفاهیم نوظهور به بطلان عقیده مشرکان رسیده و شبهات ذهنی‌اش رفع گردد. در زیر به چند نمونه از این آمیختگی مفهومی که با حرف لو امتناعیه صورت گرفته اشاره می‌کنیم: ﴿لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ (زمر/۴) «می‌گویند: خدا فرزند گرفته است. اگر خدا می‌خواست برای خود فرزندی بگیرد، از میان آنچه می‌آفریند، هر که را می‌خواست به فرزندی می‌گرفت، ولی او کار ناشدنی را اراده نمی‌کند. منزّه است او، اوست خدای یگانه که بر هر چیز و هر کس چیره است؛ پس چگونه ممکن است فرزند داشته باشد» (ترجمه صفوی).

آیه فوق دارای آمیختگی مفهومی است؛ در فضای کلی آن که اطلاعات مشترک دو ورودی را به نمایش می‌گذارد با دو مفهوم پدر و فرزندی مواجه هستیم و این فضای عام ما را به دو درونداد و ورودی رهنمون می‌سازد؛ درونداد نخست فضایی ذهنی است که در آن خدای یگانه، بدون فرزند و بی‌نیاز تصور شده و واقعی است و درونداد دیگر فضایی ذهنی است که در آن فردی تصور شده که دارای فرزند است. در این دروندادها یک ناهماهنگی و تقابل در مفهوم و ارتباط آن‌ها به چشم می‌خورد. به عبارتی دیگر نمی‌توانیم ساختار علی‌ای که از فضای ورودی ۱ به دست می‌آید بر فضای ورودی ۲ متناظر بسازیم. فضاها با وجود تناقض درونی زمینه را برای پیدایش یکدیگر فراهم ساخته‌اند. در آمیزش این دو ورودی که دارای ناهماهنگی ظاهری هستند، به مفهومی می‌رسیم که معنای آن ناهماهنگ نیست و در فضای آمیخته این مفاهیم به دست داده است. در این فضای آمیخته خداوندی تصور شده که امکان داشتن فرزند را دارد و با این فرض و فضای جدید خداوند بهترین مخلوق را به فرزندی می‌گیرد که البته با انتقای این انتخاب، با لزوم بیشتر، توالد نیز منتفی است. هدف اصلی این آمیختگی این است که با این شیوه جدید فهم اندیشه وحدانیت خدا را برای مخاطب آسان‌تر کند. بنابراین ترسیم چنین فضایی بهترین پاسخ به مشرکان است و از سویی ناهماهنگی میان آنچه واقعی است و آنچه واقعی نیست تولید و در عین حال ناهماهنگی را حل می‌کند و از سویی دیگر خلق آمیختگی در این بافت با حرف شرط لو که حرف امتناع جزء به سبب امتناع شرط می‌باشد، صورت گرفته است و تناقض و ناهماهنگی ظاهری را رفع کرده است و به سبب آن مخاطب در می‌یابد که خلق این دو فضای ذهنی متضاد، احتجاجی برای ابطال ادعای مشرکان است «هیچ موجودی سوای حق تعالی نیست جز این که مخلوق و آفریده اوست پس صحیح نیست که مخلوق فرزند خالق باشد. به عبارتی دیگر اگر خدا می‌خواست فرزند برگزیند، آن فرزند بایستی از جنس پدر قدیم می‌بود و آفریده حادث از جنس آفریده قدیم مستحیل است» (مخلص، بی‌تا: ۲۴۱۲). «مشرکان بت‌های لات، منات و عزی را دختران خدا می‌دانستند و

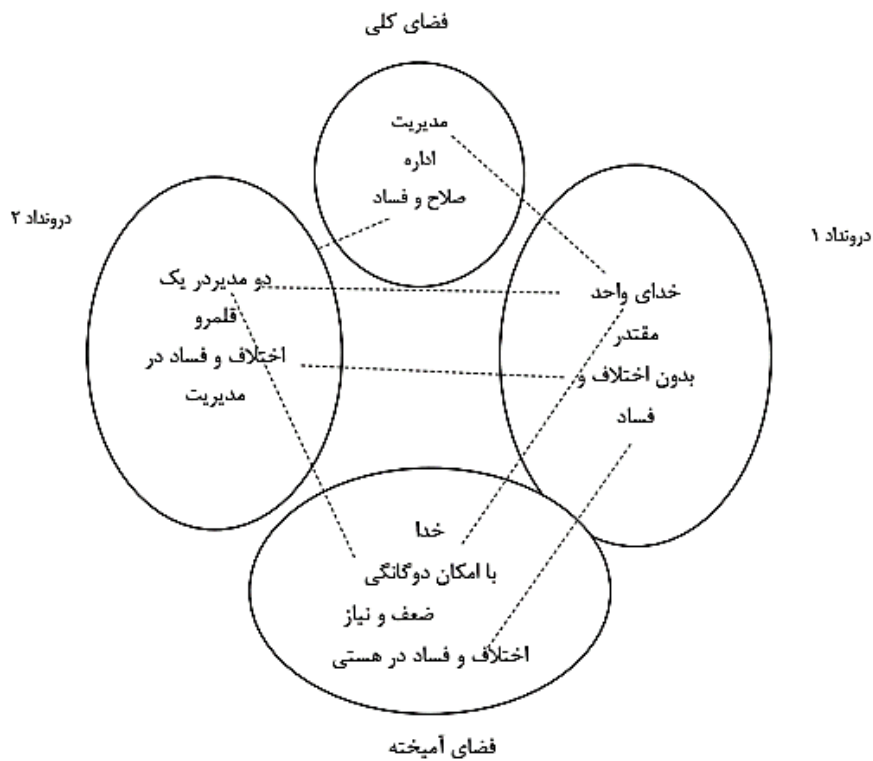
آن‌ها را پرستش می‌کردند و نزول این آیه به روش کلامی اعتقاد الوهیت آن‌ها را باطل ساخته است» (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۲۳ / ۲۳۴). ابن عاشور لو را در این آیه لو صهییه می‌داند که برای فرض کردن شرط به‌کار می‌رود و با این فرض استدلال فرزند خواندگی را باطل ساخته، سپس با این استدلال ابطال به دنیا آوردن فرزند بیشتر لازم آمده است (همان: ۲۳۵).



شکل ۲: وحدانیت خدا

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ (انبیاء / ۲۲). «اگر در آسمان‌ها و زمین جز خدای یکتا خدایانی وجود می‌داشت، قطعاً آسمان‌ها و زمین در اثر تدبیرهای متضاد تباه می‌شد؛ پس تداوم هستی نشانه تدبیر واحد و یکتایی مدبّر آن است. منزّه است خدا، فرمانروای جهان هستی، از آنچه او را به ناروا وصف می‌کنند که برای او شریک می‌پندارند» (ترجمه صفوی).

از آیه فوق برمی‌آید نزاع میان مشرکان و موحدین در واجب الوجود بودن و موجود بالذات بودن خدا نیست بلکه اختلاف آن‌ها در تعدد خدایان موجود است؛ به عبارتی دیگر چند اله را خالق و مدیر و مدبر آسمان و زمین می‌دانستند «مشرکان عرب، یونانی‌ها و مانوی‌ها به تعدد خدایان اعتقاد داشتند و برخی از آن‌ها خدایانی برای خیر و خدایانی برای شر و نیز خدایانی برای نور و خدایانی برای تاریکی قائل بودند» (ابن عاشور، ۱۹۸۷: ۱۷/۴۱). بنابراین خدای سبحان با نزول آیه مورد بحث مهر بطلانی بر اعتقاد آنان زد، خداوند در این آیه فضایی ذهنی، فرضی، غیرواقعی و عقیده مشرکان را به تصویر می‌کشد و آن را در ذهن مخاطب مجسم می‌سازد که در آن جهان دارای چند خدا بوده و با فرض چنین ادعایی ناچار این چند خدا با یکدیگر بر اساس اختلاف و تباینی که دارند اختلاف نظر پیدا می‌کنند زیرا «در حقیقت و ذات آن‌ها تباين وجود دارد و گرنه چند اله نمی‌شدند و در تدبیر هم با یکدیگر متباين و مختلف می‌شوند و همین که پای اختلاف در تدبیر به میان بیاید تدبیر هر یک تدبیر دیگری را فاسد می‌کند و آسمان و زمین رو به فساد و تباهی می‌گذارد» (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۳۰/۱۴) لذا شاهد دو ورودی هستیم یکی فضای واقعی خدای واحد، مقتدر، بدون اختلاف و فساد است و ورودی دوم تصور وجود دو مدیر برای یک مجموعه است که طبیعتاً منجر به اختلاف و فساد می‌شود. پس خداوند به واسطه فضای قبلی و با آمیختن این دو فضا با یکدیگر و بسط آن‌ها مفاهیم جدیدی را برای انسان روشن می‌سازد و یکتایی خداوند سبحان را به مخاطب و از جمله مشرکان اثبات کرده و به آن‌ها می‌فهماند که «اگر وجود خدایانی چند در کار بود قطعاً میان اراده‌های آنان تعارض و تمانع پیدا می‌شد؛ به این معنی اگر یکی از آن خدایان چیزی می‌خواست و دیگری ضد یا خلاف آن را، قضیه از دو حالت خارج نبود: یا مراد هر دوی آن‌ها بر می‌آمد یا یکی از آن‌ها، اگر مراد هر دوی آن‌ها بر می‌آمد به اجتماع ضدین می‌انجامید و میان دو اراده تضاد و تداخل پدید می‌آمد و نهایتاً تضاد و تعارض قدرت‌ها کار و بار جهان را مختل می‌ساخت و اگر مراد هیچ‌کدام بر نمی‌آمد خود نشان می‌داد که هیچ‌کدام از آن‌ها خدای قادر و مقتدری نیست و اگر مراد یکی بر می‌آمد نشان می‌داد که یکی از قادر است و دیگری بی‌قدرت و به همین دلیل خدا نبود؛ زیرا خدایی که مقتدر نباشد و قدرت وی مطلق و بی‌نهایت نباشد شایسته خدایی نیست» (مخلص، بی‌تا: ۱۶۸۰) و از آن رو که نظام آفرینش از نظم و قانونی دقیق برخوردار بوده می‌توان نتیجه گرفت که این نظم و قانون محصول اقتدار خدای واحدی است که هیچ مدعی ندارد.



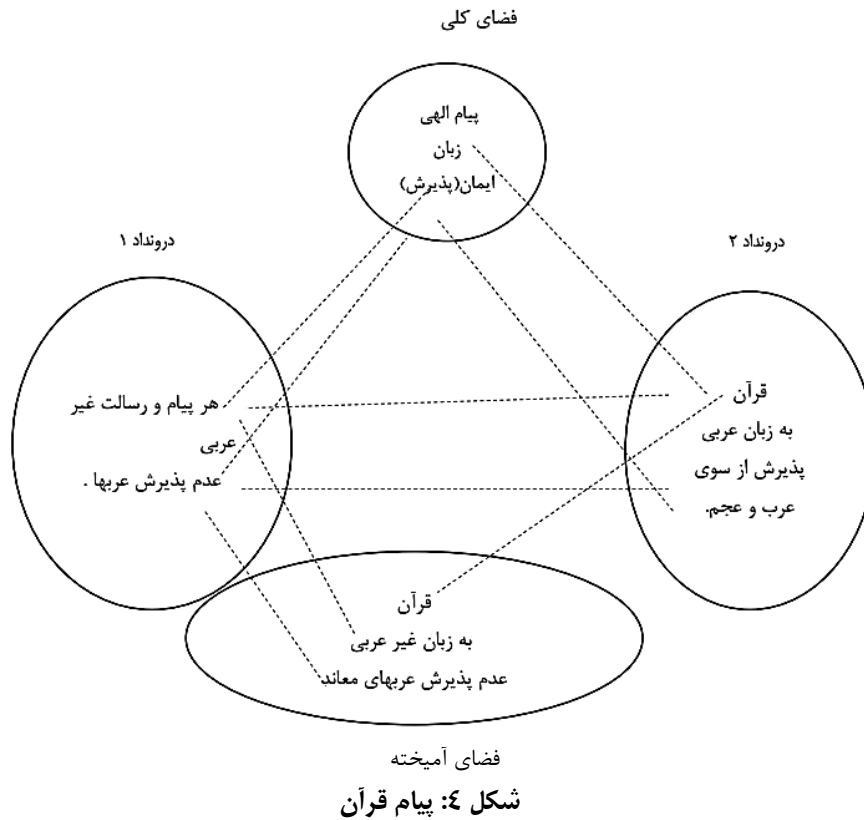
شکل ۳: توحید

۴-۳- فضا سازی با حرف لو در تبیین «اثرناپذیری کافران و مشرکان از معجزات الهی»

خدای متعال با مبعوث ساختن هر پیامبری، معجزه‌ای برای تصدیق رسالتش فرو می‌فرستاد. این معجزات برای طالبان حق و حقیقت و راه راست موجب هدایت و ایمان آوردن به آن پیامبر و دین او می‌شد. اما در طول تاریخ همواره مشرکان و کافرانی بودند که از قبول دعوت پیامبران سرباز می‌زدند و حتی با دیدن معجزات از ایمان آوردن خودداری می‌کردند و با بهانه‌های گوناگون خواستار معجزات متعدد دیگری می‌شدند و با نزول هر معجزه دوباره به تکذیب آن می‌پرداختند. عکس‌العمل‌های ناروا و روحیه حق‌ناپذیری کافران سبب قطع معجزات شد تا جایی که خداوند با صراحت تمام آن‌ها را کران و کوران و لال‌هایی معرفی می‌کند که هیچ‌گاه هدایت نمی‌یابند. عدم هدایت یافتگی کافران و بی‌فایده بودن حجت بر آنان در قرآن اغلب به صورت آمیختگی مفهومی و با شیوه لو به کار رفته است تا کوردل بودن آن‌ها برای مخاطب شفاف سازی شود. در زیر این نظریه و کاربرد آن بر شواهدی اجرا شده است: ﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَعْجَمِيًّا وَعَرَبِيًّا قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ﴾ (فصلت / ۴۴). «و اگر این کتاب را قرآنی قرار می‌دادیم که مطالب آن نارسا

بود، کافران قوم تو می‌گفتند: چرا آیاتش به روشنی بیان نشده است؟ آیا کتابی نارسا و قومی دارای فصاحت و بلاغت؟ بگو: این کتاب برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمودی است و بیماری شک و تردید آنان را شفا می‌بخشد. و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوش‌هایشان سنگینی است و قرآن برای آنان مایه کوردلی است. آنان نه پندی را می‌شنوند و نه حجتی را به خرد در می‌یابند؛ گویی از جایگاهی دور که توان شنیدن و دیدن ندارند، ندا داده می‌شوند» (ترجمه صفوی).

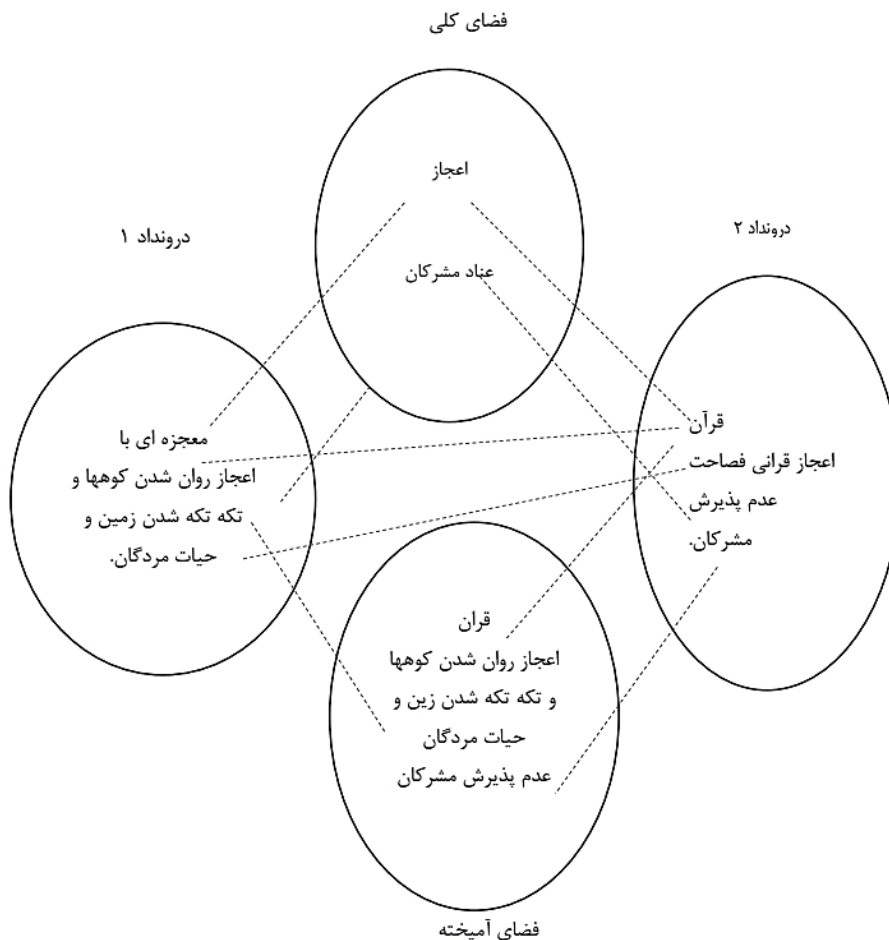
آیه فوق دو فضای ذهنی را در ذهن مخاطب متبادر می‌سازد که یکی از آن‌ها واقعی و دیگری مفروض است. فضای واقعی آن فضایی است که در آن قرآن به زبان عربی و به صورت روشن و آشکار و در حد فهم قوم پیامبر نازل شده، هدایتگر بوده و همچون دارویی مایه انتفاع بشریت است. به همراه آن فضای غیرواقعی نیز متصور شده است که در آن هر پیام و کتابی که به زبان غیرعربی نازل شده است که «اعجمی» است و این قرآن «بر پیامبری نازل شده است که به آن زبان علم ندارد و دیگران را با آن مورد خطاب قرار می‌دهد» (ابن عاشور، ۱۹۸۷: ۳۱۱/۲۴). این فضای غیرواقعی نمایانگر بهانه‌تراشی و به تبع آن انکار، تنافر و اعراض کافران است که با شیوه لو امتناعیه به شیوه فرض ایراد شده است و این مهم را می‌رساند که اگر «قرآن اعجمی بر پیامبر عربی نازل می‌شد تکذیب آن‌ها شدیدتر می‌شد» (طبرسی، ۱۳۵۲: ۲۷). این دو فضا که عناصر آن در نمودار زیر با تفکیک انتزاعی و ملموس در دو درونداد با هم ترکیب شده‌اند شرایط لازم را برای شروع آمیزه مفهومی در مرحله تکمیل فراهم ساخته‌اند، سپس این مفاهیم بر پایه طرحواره‌های ذهنی که پیشتر به آن‌ها اشاره شد، مسیر ترکیب و تکمیل را طی نموده و به مرحله بسط در مفهوم آمیزه می‌رسد و آن این است که قرآن از درونداد اول و خصوصیت زبانی یعنی غیرعربی بودن از درونداد دوم انتخاب و آمیخته شده و در فضای جدید شاهد تصور قرآنی به زبان اعجمی هستیم که قابل پذیرش برای عربها نیست و در هر شرایطی دست از جدال و بهانه‌تراشی نمی‌کشند.



﴿وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلْ لَئِنَّ الْأَمْرَ لَجَمِيعًا﴾ (رعد / ۳۱). «و اگر قرآنی بود که کوه‌ها به‌وسیله آن از جای برکنده و روانه می‌شد، یا زمین به آن شکافته و قطعه قطعه می‌گشت، یا مردگان به‌وسیله آن زنده می‌شدند و درباره رستاخیز با آنان سخن گفته می‌شد. باز هم کافران هدایت نمی‌شدند، مگر این که خدا می‌خواست» (ترجمه صفوی).

در این آیه نیز دو فضای ذهنی کاملاً متفاوت و متضاد هم متصور است که فضای عام «اعجاز» و «عناد مشرکان» زمینه را برای طرح فضاهای ذهنی آماده کرده است. فضای اول نزول قرآن تحت اراده خدا و با اعجاز لفظی و معنوی و عدم پذیرش از سوی مشرکان را نشان می‌دهد و فضای دیگر که معجزه‌ای با اعجاز روان شدن کوه‌ها و تکه‌تکه شدن زمین و حیات مردگان را به نمایش گذاشته که مورد درخواست مشرکان است. این دو فضا در مرحله ترکیب، مقابل هم واقع شده‌اند و در مرحله تکمیل تصور، عناد و لجاجت کافران و اراده خدا در نزول معجزه را در ذهن حاضر ساخته و زمینه را برای مرحله آخر که همان فرایند مفاهیم بدیع آمیختگی است، فراهم کرده است. در فضای آمیخته، قرآن با اعجاز روان شدن کوه‌ها و تکه‌تکه شدن زمین و حیات مردگان نازل شده و همچنان عدم پذیرش مشرکان را به دنبال دارد. این فضا عناد و لجاجت مشرکان

را مجسم نموده است و این که هیچ معجزه و استدلال و موعظه‌ای در هدایت مشرکان کوردل کارساز نمی‌باشد.



شکل ۵: اعجاز قرآن

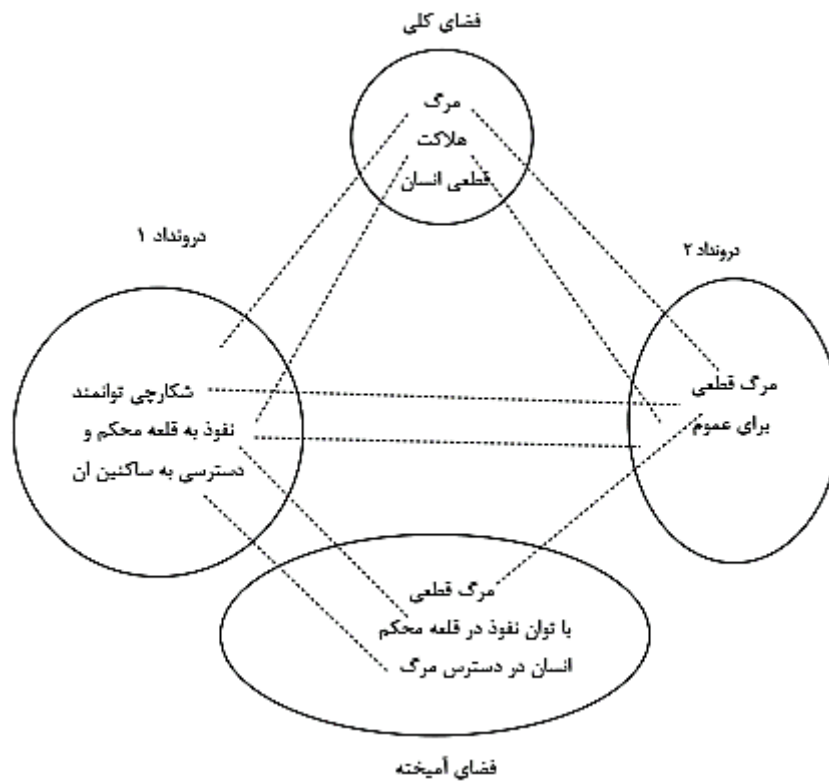
۴-۴- فضا سازی با حرف لو در تبیین «تقدیر الهی»

یکی از مسائلی که در ادیان آسمانی و بخصوص دین اسلام در زمینه خداشناسی مطرح شده است، تقدیر خداوند است. خداوند برای هر پدیده‌ای اندازه و حدود کمی و کیفی و زمانی و مکانی خاصی قرار داده است. در قرآن آیات بسیاری در مورد مقدرات حکیمانه خدا وجود دارد. یکی از این مقدرات، مسئله مرگ و زندگی است. خداوند برای هر انسانی پایانی معین و حتمی قرار داده است که هیچ نیرو و قدرتی نمی‌تواند آن را از انسان دور کند. در زیر به تحلیل تمثیلی در رابطه با تقدیر الهی در مرگ انسان پرداخته‌ایم که با فضا سازی

ذهنی، انسان را به جهاد در راه خدا دعوت می‌کند و جبهه‌گیری در مقابل مرگ را بی‌فایده می‌داند: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لَهُمْ لِهَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا﴾ (نساء / ۷۸). «گمان نکنید که اگر در جهاد حضور نیافتید از مرگ در امان می‌مانید، هر کجا باشید شما را مرگ در می‌رسد، هر چند در دژهایی استوار و مرتفع به سر برید. و اگر خبری به آنان رسد می‌گویند: این از جانب خداست، و اگر شری به ایشان رسد می‌گویند: این از جانب توست. به آنان بگو: همه از نزد خداست. پس این مردم را چه شده که نزدیک است هیچ سخنی را در نیابند» (ترجمه صفوی).

در شبکه آمیختگی مفهومی آیه فوق دو فضای ذهنی داریم، که یکی از آن‌ها در قلمرو معرفتی و تجربی و دیگری در قلمرو ذهنی نمود یافته‌اند. قلمرو معرفتی با قلمرو ذهنی تفاوت دارد «مراد از قلمرو معرفتی ساختار معرفتی ثابت از پیش موجود و فضای ذهنی ساختاری است که در حین فرایند ساختن خلق شده است» (قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۸۹).

فضای ذهنی نخست فضایی شامل یک شکارچی قوی است که می‌تواند در برج‌های محکم و بلند نفوذ کند و شکارش را در اختیار بگیرد. بر اساس معرفت و تجربه هر انسانی، بشر با پناهنده شدن به این بناهای محکم از گزند تمام ناملازمات، خطرها و دشمنان حفظ می‌شود. در مقابل این فضای تجربی با فضایی دیگر روبه‌رو هستیم که حقیقی بوده و با فضای ذهنی تجربی تفاوت دارد. این فضا شامل مرگ با خصوصیت جامعیت و همگانی بودن است، به طوری که استثنا ندارد. در این آمیختگی مفهومی، ورودی‌ها با وجود تناقض ظاهری به وسیله فضای کلی با هم ارتباط پیدا می‌کنند و ترکیب می‌شوند. لذا در این فضای آمیخته شاهد هستیم مرگ قطعی از یک درونداد آمده و با توان نفوذ حتی در قلعه‌های محکم را از درونداد دیگر ترکیب شده و فضای آمیخته را تولید کرده است و «حاصل معنا این است که مرگ سرنوشتی است که درک آن از احدی فوت نمی‌شود بنابراین دیگر جای آن نیست که توهم کنید اگر خدا جنگ را واجب نمی‌کرد از خطر مرگ رها می‌شد» (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۷/۵).

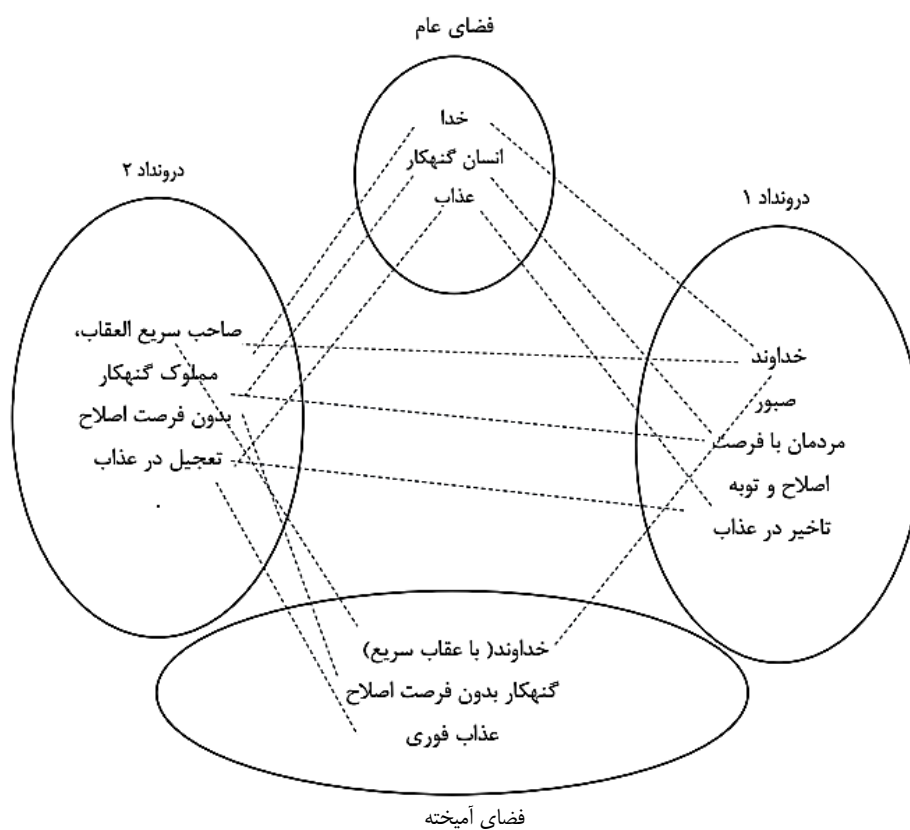


شکل ۶: قطعیت مرگ

۴-۵- فضا سازی با حرف لو در تبیین «صبر و لطف خدا»

خداوند متعال همواره به انسان فرصت می‌دهد که از گناهان خود توبه کند و برگردد؛ اگر چه رحیم بودن خدا مانع مجازات گناهکاران در قیامت نمی‌شود؛ زیرا خداوند در کتاب آسمانی خود به کرات احوال آن‌ها در قیامت را پیشاپیش خبر داده و فراروی دیدگان آن‌ها نهاده است؛ تا شاید به خود بیایند و از اعمال ناروای خود توبه کنند. در زیر شواهدی از قرآن بیان شده است که بر پایه آمیختگی مفهومی و فضاهای ذهنی، اراده‌ی خدای متعال در موکول کردن حسابرسی به جهان اخروی، بررسی شده است: (وَلَوْ يُوَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرهَا مِنْ دَابَّةٍ وَ لَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّىٰ فِإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا) (فاطر/۴۵). «اگر خدا همه مردم را به‌سزای گناهی که انجام داده‌اند مؤاخذه می‌کرد، بر روی زمین هیچ جنبنده‌ای باقی نمی‌گذاشت ولی کیفر آنان را تا سرآمدی معین به تأخیر می‌اندازد و به آنان مهلت می‌دهد، و وقتی اجلسان فرا رسید، آنان را به‌سزای گناهانشان مؤاخذه می‌کند، چرا که خدا به بندگان خود بینا و به رفتارشان داناست» (ترجمه صفوی).

در آیه مبارکه فوق، خداوند تبارک و تعالی ابتدا فضایی فرضی را برای مخاطب به تصویر می‌کشد که با حرف لو امتناعیه غیرواقعی بودن و عدم وقوع آن نشان داده شده است. در این فضای ذهنی صاحب و پروردگاری هر یک از مملوکان را به محض ارتکاب هر گناهی عقوبت می‌کند و هیچ فردی از خطای خود در امان نمی‌ماند. در فضای دوم که فضای واقعی است شاهد خدایی هستیم که صبور است و برای توبه و مؤاخذه فرصت می‌دهد و عذاب را به تأخیر می‌اندازد. در فضای سوم، خداوند از فضای اول ویژگی‌های سریع العقاب بودن و تعجیل در عذاب را از فضای دوم اخذ نموده و فضای آمیخته را شکل داده است. در این فضای ذهنی خداوند به گناه افراد سریعاً رسیدگی می‌کند و در نتیجه با توجه به عملکرد بندگان کسی روی زمین باقی نمی‌ماند. این تصویر و هشدار تکان دهنده‌ای است که محصول آمیختگی در این فضای ذهنی است و مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که نباید غفلت کند و بداند که «عذاب خدا زمان مشخصی دارد و حکمتی در آن نهفته است و آن رعایت خیر و صلاح امت است» (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۳۴۰/۲۲).



شکل ۷: عذاب الهی

همان‌طور که از آیات فوق بر می‌آید، آمیختگی مفهومی و خلق فضاهای ذهنی به شیوه‌ی لو در قرآن، بیشتر در آیاتی صورت گرفته است که دارای لو امتناعیه است چرا که لو امتناعیه به خودی خود چند فضا را در برمی‌گیرد. در این پژوهش به دلیل پرهیز از اطالۀ بحث از ذکر تمامی موارد امتناع کرده و تنها به تحلیل منتخبی از آن‌ها پرداختیم؛ شواهد دیگری که در این باب در قرآن به چشم می‌خورد عبارتند از: علم خدا آیات (کهف/۱۰۹) و (انبیاء/۱۷)، وحدانیت و یگانگی خدا در آیات (انفال/۶۸)، (حج/۷۳) و (نساء/۸۲) تأثیرناپذیری قرآن بر کافران و مشرکان در آیات (بقره/۱۱۸)، (نساء/۶۶)، (مائده/۸۱)، (انعام/۲۸/۳۵/۱۱۱/۱۵۷) و (انفال/۲۳) صبر و لطف خدا آیات (بقره/۲۵۱/۲۰/۹۶/۱۶۷/۲۵۳/۲۲۰)، (آل عمران/۱۵۹)، (نحل/۶۱)، (نساء/۱۱۳/۹۰)، (یونس/۱۱)، (مومنون/۷۱)، (قصص/۱۰)، (آل عمران/۱۵۹/۹۱/۳۰)، (نساء/۴۲)، (مائده/۳۶)، (انعام/۲۷/۸)، (آل عمران/۱۵۶/۱۵۴) و شریعت‌های گوناگون در آیه (هود/۱۱۸).

۵- نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که:

- ۱- نظام استعاری در قرآن صرفاً ناشی از نگاشت‌ها و تناظرهای ساده میان مبدأ و مقصد نیست؛ بلکه فراتر از آن با آمیختگی مفهومی و کارکردهای گوناگون آن از جمله فراهم آوردن نگاه کلی و فراگیر به خلق فضاهای ذهنی متفاوت و گاه متناقض می‌پردازد تا سرانجام مفاهیم نو و بدیع را از آن‌ها استخراج کند و به این شیوه جدید امور ناآشنا و مجهول را برای انسان آشکار و معلوم سازد.
- ۲- خداوند متعال با خلق فضا سازی ذهنی و جهت حاضر ساختن فضای واقعی در ذهن مخاطب فضای معکوس آن را با حرف لو به تصویر کشیده است و بدین ترتیب علم، یگانگی، عدل، صبر، لطف، تقدیر، حکمت و اراده خود را به مخاطب نشان داده است و ذهن او را به تأمل در آن‌ها فرا خوانده تا از این رهگذر به جهان بینی قرآنی دست بیابد.
- ۳- خداوند گاه برای بیان کثرت و پایان ناپذیری علم خود آن را در قالب‌های مکانی وسیع برای مخاطب مفهوم سازی کرده است تا در گستره تجربه دسترس پذیر آن‌ها را دریافته و از ساده انگاری و محدود بینی بپرهیزد. گاه با براهین متعدد در فضاهای متعدد شبهات ذهنی مخاطب را رفع و مهر بطلانی بر اعتقادات مشرکان و کافران می‌زند و وحدانیت و یگانگی خداوند را به اثبات می‌رساند. گاه با خلق فضاهای متضاد به شیوه لو خلق کرده جهان بینی الهی در نزول شریعت‌های مختلف برای امت‌های مختلف است و به این نتیجه رسیده که اختلاف در درک، قابلیت و استطاعت امت‌ها اختلاف در دین و شریعت را می‌طلبد گاه با بهره‌گیری از عناصر طبیعت و مفاهیمی که مبتنی بر تجربه ادراکی مخاطب است، فضایی نو را خلق می‌کند و امور مجرد و معنوی را برای او محسوس و ملموس می‌سازد. گاه در آمیختن ورودی‌ها فضایی را به تصویر می‌کشد که نشان می‌دهد کافران و مشرکان کوردل تحت هیچ شرایطی دست از جدال و بهانه‌تراشی نمی‌کشند.
- ۴- فضاهای ذهنی آمیخته شده با لو در بسیاری از آیات، ورودی‌هایی را با هم تلفیق کرده است که در ظاهر دارای ناهماهنگی هستند، اما کارکرد لو ایجاب می‌کند که مفاهیم نوظهور در فضای آمیزه ناهماهنگ نباشد.

به عبارت دیگر فضاهای آمیخته ناهماهنگی‌های موجود در درون‌دادها را حل کرده و فضای غیرواقعی را مردود ساخته است و بدین روش بهترین پاسخ را به مشرکان، کافران و منافقانی می‌دهد که در دین مبین اسلام شک دارند.

۵- آمیختگی مفهومی آیاتی که در آن‌ها لو وجود دارد اغلب در شبکه تلفیقی دو حوزه‌ای جای می‌گیرند و این شبکه در این آیات به دلیل بافت معنایی دینی و معانی خاصی که دارند، بسامد بالایی دارد؛ زیرا غالباً فضاهای ذهنی موجود در چنین آیاتی از سویی کاملاً مجزا و مستقل از یکدیگر بوده و نقطه اشتراکی ندارند و از سوی دیگر هر دو فضا در آمیزه مفهومی راه یافته‌اند. در آیات اندکی نیز به چشم می‌خورد که تنها یکی از ورودی‌ها در فضای آمیزه راه یافته و دارای شبکه مفهومی یک حوزه‌ای هستند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴). *تفسیر التحریر و التنویر*، تونس: الدار التونسية للنشر.
- داوری اردکانی و همکاران (۱۳۹۳). *زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات هرمس.
- دقر، عبدالغنی (۱۳۰۱). *معجم النحو*، ترجمه فاطمه مدرسی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه ارومیه.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*، تهران: انتشارات سمت.
- الشرتونی، رشید (۱۳۸۵). *مبادی العربیة*، ج ۴، جلد یازدهم، تهران: انتشارات اساطیر.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰). *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی، قم: انتشارات تبیان.
- الطبرسی، علی فضل بن حسن (۱۳۵۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر.
- طیب اصفهانی، سید عبدالحسین (۱۳۸۷). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه فرهنگی تبیان.
- قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۹۰). *معناشناسی شناختی قرآن*، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قائمی، مرتضی و قتالی، سید محمود (۱۳۹۲). «بررسی ساختار نحوی - بلاغی حرف «لو» و کاربرد آن در قرآن کریم»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، سال اول، شماره اول: ۱۲۹-۱۵۴.
- قائمی، مرتضی (۱۳۹۷). *درآمدی بر نظام مفهوم‌سازی استعاری در نهج البلاغه*، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- کوچش، زولتان (۱۳۹۶). *استعاره‌ها از کجا می‌آیند، شناخت بافت در استعاره*، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: انتشارات آگاه.
- لیکاف، جورج و جانسون، مارک (۱۳۹۴). *استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم*، ترجمه هاجر آقا ابراهیمی، تهران: انتشارات آگاه.
- مخلص، عبدالرووف (بی‌تا). *تفسیر انوار القرآن*، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام. تهران.

- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۱۰، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، تهران.
- Fauconnier, Gilles; Mark Turner (2008). *The way we think: Conceptual Blending and the Mind's Hidden Complexities*, New York: Basic Book.